

ذاکر پسرش را گفت : وارث! بازار برو و مقداری سیب شیرین بیار۔ وارث گفت : بلی، پدر جان۔ وارث به بازار رفت۔ بعد چند ساعتی او بایک سَبَد سیب باز آمد۔ ذاکر وقتی سیب را نگاه کرد، دید همه سیب ها گاز شده هستند۔ او خشمگین شد و گفت : این چه خرید کردی؟ این سیب ها که گاز گرفته است؟ فرزند لبخندی زد و گفت : پدرجان! اگر گاز نمی کردم چطور می دانستم که شیرین هستند یا نه؟



Basket	-	سَبَد
To bite	-	گاز کردن
To be nipped	-	گاز شدن
Angry	-	خشمگین
To smile	-	لبخند زدن
To return	-	باز آمدن
They are nipped	-	گاز گرفته است

پرسش

(A) Answer the following questions:

(الف) مندرجہ ذیل سوالوں کے جواب دیجیے:

- ۱۔ شخصی پسرش را چه گفت؟
- ۲۔ پسر به کجا رفت؟
- ۳۔ پدر چرا خشمگین شد؟
- ۴۔ فرزند پدر را چه جواب داد؟

(B) Write the Persian names of the following fruits:

(ب) درج ذیل پھلوں کے نام فارسی میں لکھیے:

